

۹ دولت، ۵ برنامه، ۲ سند - یک اقتصاد

مدیریت اقتصادی کشور در ۳۰ سال اخیر مطلوب نبوده است. مردم گله دارند. در چارچوب نظام جمهوری اسلامی، مردم سالاری اقتصادی را جدی بگیریم.



عامل درآمدی کشور دارد. این که چرا در سال‌های گذشته با عدم تعریف منابع جدید درآمدی، اتحاد سیاست‌های مالیاتی، توسعه صادرات، انضباط در مدیریت صندوق ذخایر ارزی، حمایت تولید و صدها

راهکار دیگر، تنها به نفت به عنوان بهترین گزینه ممکن متکی بودیم، خود درد بزرگتری است که ریشه در عدم آینده‌نگری و رخوت در مدیران ارشد کشور دارد. چرا با آن که شعار اداره کشور بر مبنای عدالت و رفاه اجتماعی است، مسأله‌ای به نام فقر همچنان در کشورمان حل نشده است. البته تلاش‌های مستمری که برای ریشه‌کن کردن این مقوله در سال‌های پس از انقلاب، به همت همه دولتمردان صورت گرفته قابل تحسین است، اما به واقع، هنوز جای کار بسیار داریم. حل مشکلات تولید در کشور که هم به رفع مشکل بیکاری خواهد انجامید و هم موجبات رشد و توسعه را فراهم خواهد آورد، مقدمه‌ای باید باشد بر اهم سیاست‌های دولت‌ها. متأسفانه به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، نگاه دولت‌ها به تولید، تولیدکننده کارآفرین و بخش خصوصی، نگاهی طفیلی است. فراموش نکنیم که صنعت‌گران، کشاورزان، نیروی انسانی، نخبگان و سرمایه‌داران، ولی نعمتان ثروت و رفاه در کشور هستند. تقبل ریسک‌های بالای تولید در کشور، در بسیاری موارد حتی پای دولت را در طی مسیر رشد لنگ می‌کند، اما ثبات قدم این گروه همواره مثال زدنی است؛ هرچند این ثبات قدم همواره تحت تأثیر فشارهای ناشی از برخی سیاست‌های دولت‌ها است. باید اذعان داشت که مصداق توسعه، سمت و سوی خاصی ندارد و هدف، توسعه در تمام سطوح و یا همان توسعه متوازن است. توسعه نمود نمی‌یابد مگر با توسعه متوازن اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی ملی و سیاست خارجی.

اقتصاد و سیاست خارجی

اگرچه جامعه بین‌الملل، همواره پس از انقلاب با انواع تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و ممنوعیت‌های اجتماعی و فرهنگی، عاملی در جهت تنزل و کندی چرخه اقتصاد کشورمان بوده است، اما اتخاذ سیاست‌های استوار خارجی سبب شده تا همان‌هایی که سخن از تهدید نظامی می‌گفتند، امروز دست دوستی دراز کنند. در بستر چنین شرایطی است که باید با اتخاذ سیاست‌های راهبردی در فضای کنونی، با استفاده از همه ظرفیت‌های بین‌المللی موجود تلاش شود تا اولاً با رفع ابهام‌های موجود، جایگاه جمهوری اسلامی را در منطقه و جهان اعتلا ببخشیم و سپس با بکارگیری امکانات جهانی، مقدمات حرکت اقتصاد داخلی را به سمت توسعه با تعامل از منظر بهبود کیفی و کمی فراهم آوریم. در عین حال، در مدیریت کشور نباید فراموش کنیم که مدیریت موفق تک بُعدی نیست: در عین تلاش برای دستاوردها در حوزه سیاست خارجی، مسایل داخلی نباید فراموش شوند. بر اساس بسیاری از پیش‌بینی‌ها - از جمله بانک جهانی - سال ۲۰۱۰ سالی است که اقتصاد جهانی به روال عادی خود باز خواهد گشت و روزهای رکود بحرانی

نگاهی سرانگشتی به آمار و ارقام اقتصادی کشور و مقایسه آمارهای مذکور با سایر کشورها، لزوم تسریع در اتخاذ سیاست‌ها و تغییر نگرش مدیریت کلان کشور را به مسایل جاری در جهت تحقق آرمان‌های اقتصادی مندرج در اسناد راهگشای کشور متذکر می‌شود. طبق برآوردهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، کشور ما از منظر شاخص تورم مصرف‌کننده، پس از عراق بالاترین نرخ تورم را در بین کشورهای منطقه دارا بوده و پس از آذربایجان بالاترین رشد نقدینگی را داریم. سهم پایین کشور از بازارهای جهانی، سهم ناچیز در جریان‌های سرمایه بین‌المللی، رشد اقتصادی غیرنفتی پایین، سهم پایین صادرات محصولات غیرنفتی، جایگاه تحقیق و پژوهش، شاخص توسعه انسانی، نرخ بالای بیکاری - جایگاه ۱۳۷ از ۱۹۷ کشور جهان - و بسیاری موارد دیگر که بارها استادان و کارشناسان مستقل و مدیران کارآمد بخش خصوصی بر آن تأکید ورزیده‌اند، همگی از مواردی هستند که منجر به نگرانی دلسوزان نظام در حیطه اقتصادی شده است. آنچه در این بین نگران‌کننده است تأخیر در اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور می‌باشد. ۴ سال از تدوین سند مذکور می‌گذرد و یافته‌ها حکایت از فاصله برنامه‌های اجرا شده با اهداف دارد. مشکل دیگر در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ - ابلغیبه مقام معظم رهبری - است. تقریباً هیچ کارشناس و مدیر مستقلی از روند خصوصی‌سازی کشورمان رضایت کامل ندارد. کالبد شکافی مشکلات موجود و آسیب‌شناسی فضای کنونی اقتصاد ایران که در بستری نامتعادل و ناموزون در سال‌های گذشته تاکنون شکل گرفته است، نکاتی را متذکر می‌شود که نیازمند اتخاذ تصمیم در درجه اول و اجرای درست و منطبق با قوانین و دستورالعمل‌ها در مرحله بعد است. در واقع مردم گله دارند.

البته در هر نظام دموکراسی، مردم گله می‌کنند - این جزو ویژگی‌های مردم‌سالاری است تا همه عقاید و نظرات شنیده شوند و به گوش مسئولان و خدمتگزاران مردم که باید پاسخگویی آنها باشند برسد. در کشورهای پیشرفته هم، مردم خواسته‌هایی فراتر از وضع موجود دارند. اگر به نروژ هم سفر کنید، مردم گله‌مندند، در صورتی که درآمد سرانه این کشور در ۳۰ سال گذشته - با عنایت به کشف و مدیریت مناسب نفتی و ارزی - به یکی از بالاترین درآمدهای سرانه دنیا افزایش یافته است. در کنار دریافت نظرات مردم، حیاتی است تا مسئولان و خدمتگزاران را استادان و کارشناسان مستقل - فراتر از حزبی و جناحی - ارزیابی کنند.

وابستگی بخش عظیمی از بودجه ایران به نفت و تنظیم بودجه سالانه کشور بر اساس قیمت و درآمد نفت، سبب شده هرگاه با کاهش قیمت این محصول مواجه شویم، شاهد کسری بودجه و رشد تورم در جامعه باشیم و بر عکس در موارد افزایش قیمت، با سوء مدیریت و برداشت‌های بدون حساب و کتاب، مقدمات ریخت و پاش‌های مصرفی را در جامعه فراهم نموده و درهای واردات کالاهای مصرفی را به روی جامعه باز کنیم - در هر دو حالت، هر نتیجه‌ای حاصل خواهد شد جز حرکت به سمت توسعه پایدار! فراموش نکنیم در کنار سیاست چاپ پول که به غلط در جهت تأمین کسری بودجه دولت - با ۴/۳ درصد رشد در سال جاری بر اساس پیش‌بینی واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» - اتخاذ می‌شود، عواملی همچون رشد مخارج جاری و عمرانی و عملکرد انبساطی در اقتصاد که ناشی از تزریق درآمدهای نفتی به جامعه است و به کاهش قدرت خرید مردم منجر می‌شود، بر گسترش روز افزون تورم اثرگذار خواهد بود. نکته اینجا است که مشکل اصلی کشور ما ریشه در مهمترین

تأمین مالی پروژه‌های عمرانی - و حتی مخارج جاری خود - را فراهم آورد و هم سبب کاهش نقدینگی جامعه شود.

نگاهی به حساب سرمایه کشور که نقش پُررنگ قوانین دست و پاگیر - و البته بی‌مورد - سرمایه‌گذاری و نوع نگاه منفی را به سرمایه‌گذار در کشورمان روشن می‌سازد، چالش اساسی در تحقق آرمان‌های اقتصادی نظام است و باید گفت تراز منفی ۱۱ هزار و ۲۸۹ میلیون دلاری حساب سرمایه در سال ۸۷ نگران‌کننده است. در داخل کشور نیز بخش خصوصی را که باید میدان‌دار تولید و صنعت باشد درنمی‌یابیم. آیا جز این است که بخش خصوصی که در شاکله خود مملو از بازرگانان، کارآفرینان، صنعتگران و مبتکران دانشگاهی است به داد اقتصاد ما خواهد رسید؟ جز این است که گسترش شفافیت و شایسته‌سالاری نظام جمهوری اسلامی را تقویت خواهد کرد؟ زمان را از دست ندهیم. سخن زیاد است و زمان کوتاه. یک کلام، ختم کلام: اقتصاد و مردم سالاری اقتصادی را دریابیم. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «مشکل اقتصاد و توسعه متوازن» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

نفت و جایگاه آن در اقتصاد ایران

چالشی به نام نفت!



نگاه دکتر نرسی قربان، مدیر عامل شرکت نارکنگان و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران» در رابطه با صنعت نفت ایران، چالش‌ها و راهکارها

مشکلات صنعت نفت و گاز ایران، جدا از مشکلات کلی اقتصادی کشور نیست. بخش انرژی چه از دید ارزش تولید و ارزش مصرف فرآورده‌های نفت و گاز و چه از دید اثرگذاری بر سایر شاخص‌های اقتصادی مانند محصول ناخالص ملی، تورم، اشتغال، سرمایه‌گذاری و مواردی مشابه، مهمترین بخش اقتصادی کشور است و از این رو اهمیت ویژه‌ای در سرنوشت اقتصاد ملی دارد. اگر اقتصاد بخش انرژی کشور سروسامان گیرد، بدون شک اثرات آن بر اقتصاد ملی چشم‌گیر خواهد بود. سیاست‌هایی که در حال حاضر با سلیق مختلف برای صنعت نفت و گاز پیشنهاد می‌گردند، عمدتاً به شرح زیر می‌باشند:

انتقال را برای این فرآورده‌ها در نظر گرفت، به طوری که شرکت‌های تولیدکننده انرژی در ایران بتوانند فرآورده‌های خود را مثلاً با سودی ۲۰ درصدی به فروش برسانند؛ آن هم به شرطی که هزینه‌های آنها دقیقاً بررسی شود. به علاوه، مسأله ارزش ذاتی نفت و گاز مقوله‌ای است که تصمیم‌گیری درباره آن به عهده نظام کشور بوده که در حقیقت به نوعی مالیات بر مصرف فرآورده‌های نفتی، گاز و برق می‌باشد و ربطی به سوبسید ندارد. پس راهکار اقتصادی - نه پوپولیستی - این است که در مرحله اول تا آنجا که ممکن است سوبسید را با در نظر گرفتن هزینه‌ها کم کنیم و سپس نظام در مورد دریافت ارزش ذاتی نفت و گاز از شهروندان خود، برنامه‌ریزی نماید.

جذب سرمایه

نیاز به کاهش تنش در منطقه و اتخاذ سیاست‌هایی برای ایجاد جو آرامش و بهبود اقتصادی در درازمدت برای جلب سرمایه‌گذاری در صنعت - چه از خارج از کشور و چه در داخل - از الزامات اصلی می‌باشد. جذب سرمایه‌گذاری داخلی با هدف جلوگیری از فرار سرمایه از کشور و هدایت ریال‌های سرگردان از بخش غیرتولیدی به بخش نفت و گاز امکان‌پذیر می‌باشد. هر دولتی که بر سر کار باشد، می‌تواند با یک طرح جدید امکان خرید سهام و یا مشارکت در فاینانس طرح‌های عمده نفت و گاز کشور را به صورت ارزی در اختیار مردم ایران قرار دهد، به صورتی که شهروندان بتوانند ریال خود را برای سرمایه‌گذاری در این طرح‌ها به صورت قانونی تبدیل به یورو نمایند. بدیهی است که تضمین‌های لازم برای بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاران، همان

۱) واقعی کردن قیمت‌های انرژی در کشور، ۲) جذب سرمایه در صنعت نفت و گاز، ۳) خصوصی‌سازی و ۴) تغییر ساختار صنعت نفت و گاز.

اصلاح قیمت‌ها، به سبک بومی

بدون شک مصرف و هدر روی انرژی در ایران به مراتب بیش از کشورهای دیگر جهان است. این موضوع، هم در بخش دولتی - مثلاً به صورت سوزاندن ۱۰ میلیارد متر مکعب گازهای ایجاد شده در حین تولید نفت در روز - و هم در مصارف خانگی، تجاری و صنعتی به علت ارزانی نسبی فرآورده‌های نفتی و گازی وجود دارد و این میزان مصرف و هدر دادن انرژی می‌تواند چشم‌انداز توسعه کشور را با مشکلات عمده رویه‌رو سازد. متأسفانه عده‌ای - به خصوص در وزارت نفت - حذف پرداخت یارانه به نفت و گاز و برق را با تعدیل قیمت این فرآورده‌ها با رویه‌ای مطابق آنچه در سایر کشورهای جهان می‌گذرد پیشنهاد می‌نمایند و مثلاً می‌خواهند فرآورده‌های نفتی و گازی را به قیمت‌های ژاپن و اروپا به دست مردم برسانند که این یک اشتباه بزرگ است. سوبسید، اختلاف هزینه تولید، پالایش و حمل فرآورده‌های نفت و گاز با قیمتی است که از مصرف‌کنندگان دریافت می‌گردد. گاز و یا برق تولیدی در کشور را نمی‌توانیم بدون سرمایه‌گذاری‌های کلان و شرایط